

بسم الله الرحمن الرحيم

هلال، چه هلال رمضان، چه هلال شوال این مطلب میان ما و عامه مسلم است که حکم حاکم تاثیر دارد در ثبوت هلال سیره‌ی مسلمانان بر همین است؟؟ حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در این که چه زمانی ماه رمضان شروع می‌شود چه زمانی ماه شوال سراغ پیغمبر رفتند خب بعد از آن همین ادامه داشته دیگر خلفا و علماء و همه‌ی این‌ها بالاخره این طور بوده که در صوم این یک بالاخره منشاء‌ی دارد که مردم خود به خود اول ماه چه زمانی است آخر ماه چه زمانی است می‌بینید که الان می‌بینیم یک صیغه‌ای است که استمرار داشته این استمرار داشته به این که مردم همیشه مواظب بودند که آن حاکم‌شان، ولیشان بالاخره چه می‌گویند و اینها حالا بگوییم اصلاً حکم حاکم و کان لكم؟؟ صوم برای مان این کار را بگنیم واقعاً یک مشی فقهی است یک مشی عجیبی است که؟؟ ادعای اجماع می‌کند؟؟ همین طور که به حکم حاکم ثابت می‌شود ما تمام این اقوال و اجتماعات را تمام حرف‌های عامه و خاصه بگذاریم کنار که در طول تاریخ همه درباره‌ی صوم گفته اند که حاکم هم هلال رمضان هم هلال شوال ثابت بشود همه را بگذاریم کنار این یک مشی فقهی خاصی است که خلاصه ایشان دارند در خیلی جاها این‌جا مخصوصاً خیلی بیشتر روشن شد که ایشان این طور می‌گویند حالا ما ناچاریم که در دو باب بحث کنیم یک بحث در کتاب صوم الثبوت هلال به حکم حاکم در؟؟ بعد برویم سراغ کبری که ولایت فقیه یکی از؟؟ این مسئله است می‌گوییم چه دلیلی داریم برای ولایت فقیه. اگر بخواهیم حق مطلب ادا بشود باید این طور بیان بشود. اما البحث در صغیری. بحث در صغیری که ما می‌خواهیم بگوییم که ما دلیل داریم که از زمان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) تا زمان ما این طور نبوده که مردم در اول ماه رمضان یا اول شوال به یک بینی‌ای گفتیم که قائل شد برای قائلین که اشکال ندارد لازم نیست؟؟ بین قائل شد دیگر هر کسی خودش هم دید می‌تواند اما این که حکم حاکم را به طور کلی غیر موثر بدانیم و مردم به آن اهمیت ندهند این یک مطلبی است که از زمان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) این طور نبوده حالا ما ناچاریم که روایات خودمان را در نظر بگیریم بله. مثلا در جواهر جلد ۱۷ صفحه ۳۲۱ که این بحث است که

بحث ما با توفیق پروردگار متعال در فصل دوازدهم کتاب صوم درباره‌ی طرق ثبوت هلال. چند طریق ذکر شد. طریق ششم که مورد بحث دیروز بود الثالث حکم حاکم؛ به حکم حاکم هلال ثابت می‌شود هلال رمضان، هلال شوال. عروه این طور ذکر کرده؟؟ کسی در این بحث ندارد و دلیلش را ذکر می‌کنیم اما آیت اللہ العظمی خوبی (اعلی‌الله مقام) در حاشیه‌ی عروه انکار کرده گفته حکم حاکم تاثیری در ثبوت هلال ندارد. بعد هم ایشان در مستعد العروه شرح عروه است دلیل خود را ذکر کرده. دلیلش این است که ما دلیلی بر ولایت فقیه نداریم گفته این مسئله ارتباط پیدا می‌کند با ولایت فقیه و دلیلی هم برای ولایت فقیه نداریم که جداً منکرند که دلیلی داشته باشیم بر این که فقیه ولایت دارد آن اندازه که مسلم است در امور حسیبه از قبیل اموال؟؟ و امثال آن‌ها اما فقیه ولایت داشته باشد در امور عامه‌ی مردم دخالت داشته باشد تاثیر داشته باشد در امور فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی در زندگی مردم نه دلیل ایشان می‌گویند ما نداریم و ادلای که ذکر شده ایشان می‌گویند همه مخدوشند سنداً و در بطناً علی سبیل؟؟ خلق؟؟ در ضمن کلامش به شیخ انصاری هم شیخ اعظم انصاری هم مثل ما ایشان در قائل به انکار ولایت فقیه این کلام ایشان بود. در این که ایشان منکر ولایت فقیه است التنقیح که درس ایشان است جلد اول التنقیح در آن جا هم باز دلایل بیشتری ذکر کرده که منکری برای ولایت فقیه است. ما در بحث ما دو تا بحث داریم یک بحث درباره‌ی ماه و ثبوت هلال است که صغایر این مسئله است تقریباً یک بحث کبراً است که ولایت فقیه آیا دلیل چه است و داریم یا نداریم ما ناچاریم که در دو مورد بحث کنیم چون بحث ما در کتاب صوم است چون کتاب صوم دستور انکار ولایت فقیه را با این که فقهای ما دو تا بحث دارند یک بحث درباره‌ی کتاب صوم است فقهای ما از اول از زمان شیخ طوسی به این طرف که عرض می‌کنیم در این که به حکم حاکم ثابت می‌شود

۴، ص ۳۰۵ در جلد ۴ صفحه ۳۰۵ در مساله ثبوت هلال ایشان خلاصه می‌گوید به این که حاکم؟؟ حکم کرد ثابت می‌شود و محتاج به هیچ دیگر هم نیست. جبیت دارد حکم حاکم در ثبوت هلال، منتها در استدلالش رفته سراغ مقبوله عمر بن حنظله یکی از روایاتی که باید به آن خیلی توجه کنیم در ولایت فقیه هم باید در آن بحث بشود مقبول عمر بن حنظله است در باب ۱۱ از ابوبکر القضاe که در جلد ۱۸ وسائل تبع بیست جلدی است در آن جا که خبر از عمر بن حنظله است همان که خیلی مهم است بیشتر فقهای ما به همین خبر در ولایت فقیه تمسک می‌کنند یکی از ادلی مهم ولایت فقیه هم همین خبر است امام غیر امام؟؟ همه آنها آن است که عمر بن حنظله سوال می‌کند از امام صادق (علیه السلام) رجلین عن اصحابنا با هم تنازع دارند در دینی یا میراثی فحاکما بسلطان آن وقت معاصر امام صادق (علیه السلام) یا قاضی، تَحَاكَمَ إِلَى الطَّاغُوتِ قَدْ أَمْرَ اللَّهُ أَنْ يُكَفَّرَ بِهِ؛ آن کسی که معاصر امام صادق (علیه السلام) است و بنی عباس بودند و قضاوت سلطنت دست آنها بود طاغوت بود. قُلْتُ فَكَيْفَ يَصْنَعُونَ قالَ يَنْظُرُانِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامِنَا فَأَيْضُرُضُوا بِهِ حَكَمًا فَإِنَّى قَدْ جَعَلْتُهُ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبِلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَخَفَ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ رَدَّ وَ الرَّادُ عَلَيْنَا الرَّادُ این خبر خیلی قرص و محکم است دلالت دارد بر این که کسی که فقیه است کسی که احکام اهل بیت را می‌شناسد و نظر دارد و راوی حدیث اینها این طوری است این بعداً خواهد آمد آن وقت این خبر صریحاً دلالت دارد بر این که هر کاری که قضات در آن زمان می‌کرند به آنها مراجعه نکنند مراجعه کنید به فقهای ما. خب یکی از کارهای قضات در آن موقع خب مسئله هلال بوده مردم برای هلال رجوع می‌کنند به قضات یا به سلطان بالآخره فرق نمی‌کند خلاص هر منصبی هر سمتی هر کاری که آنها داشته اند امام صادق (علیه السلام) همان کار را ارجاع می‌کند به فقهای خود ما. اینجا هم استدلال کرده ضیاء الدین عراقی برای ثبوت هلال به حکم حاکم به همین خبر آن وقت یکی هم فرق بین فتوا و حکم چیست؟ حکم حاکم بحث ماست. فتوا با حکم چه فرقی دارد؟ بله این را باید توجه کنیم که

ما عرض کردیم آن چاپ که نزد بنده است از جواهر جلد ۱۷ صفحه ۳۲۱ در طرق ثبوت هلال می‌گوید که می‌کند تفسیر اجماع عليها می‌گوید ما اجماع داریم به این حکم حاکم موثر است و موجب ثبوت هلال است ما ؟؟؟؟؟ یک کتاب خلاف، کتاب خلاف شیخ طوسی جلد دوم صفحه ۲۰۴ مساله ۵۹ از کتاب صوم، مساله ۵۹ از کتاب صوم خلاف جلد ۲ تبع جدید، ص ۲۰۴ اذا رئا هلال شهر رمضان وحده؛ بله یعنی ما هم گفتیم تنها اگر ماه را ببیند لزمه صوم لازم است قبل حاکم شهاده قول یقبل بله چه حاکم قبول کند حاکم در اینجا بالآخره معلوم می‌شود و كذلك ؟؟ شوال افترا و ؟؟ که ما قائلیم به این که روایتش را هم خواندیم که اگر تنها ببیند برای خودش حجت است. چه این که حاکم قبول کند و چه قبول نکند و قال مالک و احمد یلزم فی صیام فی اول الشہر و اذا آخر الشہر باید حاکم حکم بکند. قال حسن بعضی که در اول شهر و آخر شهر به حکم حاکم ثابت می‌شود. خب از اینجا معلوم می‌شود به این که بین عامه هم همین مساله تاثیر حاکم در اول ماه، آخر ماه یک مطلب مسلمی بوده. در کتاب شرح تبصره متعلمين علامه حلی کتابی به نام تبصره دارد کتابی به نام تذکره دارد تذکرة الفقها مقارن است خیلی مبسوط است هر چند ابوبند ندارد ولی آنچه دارد تذکرة الفقها مقارن است که عامه چه می‌گویند ما چه می‌گوییم دلیل آنها، دلیل ما و اثبات مزیت فقه و فقه آنها این تذکره است منتها که علامه هم باز همین طور فقه مقارن است. چند جلد است تذکره، اخیراً هم در چندین جلد چاپ شده اما تبصره یک کتاب مختصر علامه حلی یک جلد هم بیشتر نیست. مختصر است خیلی مختصر است. نقل می‌کند که علامه حلی یک روز، یک روز می‌گویند حالا یا شاید سه روز حضور نداشته در جلسه بحث برای جریانی. از او سوال شده بود که شما این دو سه روز در درس نبودید چه کار کردید؟ ایشان گفت من یک دوره فقهی به نام تبصرة المتعلمين نوشتم این در دوه سه روز تبصره را نوشته. ضیاء الدین عراقی محقق ضیاء الدین عراقی شرح کرده تبصره علامه را، تبصره علامه را شرح کرده در جلد چهارم که پیش بنده است شرح تبصره علامه فی المحقق ضیاء الدین عراقی جلد

ثابت می شود ما در مقابل آیت اللہ خوبی فعل داریم بحث می کنیم. از کلام علامہ در خلاف استفاده کردیم از کلام ضیاء الدین و محقق هم در معتبر. چند تایش را من نظر داشتم نوشتیم. محقق در معتبر در جلد دوم معتبر، معتبر هم فقه مقارن است برای محقق مثل تذكرة و النهاية، خلاف هم قول عامه قول ما اقوال آن اقوال ما، مدارکشان مدارک ما آن طوری بحث می کند معتبر نه مثل شرایع چون سه تا کتاب دارد محقق یکی مختصر النافع یک متن ریاض است یکی شرایع که متن جواهر است یکی هم معتبر است سه تا کتاب فقه از محقق در دست داریم. آن دو تا فقه امامیه است و اینها و اما این سومی فقه مقارن است. خب معتبر در جلد دوم کتاب صوم ص ۶۴۶ معتبر محقق جلد دوم کتاب صوم ص ۶۴۶ در مقام اثبات صحت نیت صوم فی یوم شک ؟؟ عرض کرده ایشان گفته لما روی این خبر برای عامه است و ایشان به آن استناد کرده ما راه عامه را بعد عرض می کنیم حرف عامه را. گفته به این که در روز یوم الشک به قول حاکم ماه ثابت می شود لاما روی ان الیله شک اصبح ناس لیله الشک بود و مردم نمی دانستند ماه رمضان داخل شده است یا نه و جاء اعرابیون شهد روایت هلال عربی آمد شهادت داد که من ماه را دیشب دیدم بنابراین اول ماه رمضان است ما خواندیم دیروز پیغمبر (صلی اللہ علیہ و آله) سوال کرد (نامفهوم) کسی که چیزی نخورده یوم الشک است دیگر روزه بگیرد و من اکل ؟؟ کسی هم که چیزی خورده باز از خوردن خودداری کند آن اولی ها روزه حساب می شود دومی باید قضاش را بگیرد بله پیغمبر فرمودند که ؟؟ این در صحیفه بخاری، سنن ابی داود، سنن نصاری این حدیث از طریق عامه آدرسشن را هم که در همان منبعی که گفتم صفحه اش و جلدش را نوشتی و بالآخره شیخ طوسی در تهذیب در کتاب صوم در مسئله ثبوت هلال حرف عجیبی دارد ایشان می فرماید که اجماع و ضرورت است که از زمان پیغمبر تا زمان ما هلال را به حاکم مراجعه کند و تعرف شهود به حکم حاکم است از زمان پیغمبر تا زمان شیخ طوسی هم اجماع و هم ضرورت مسئله بینید ثابت است نزد اینها که اجماع و ضرورت به این که در هلال مراجعه می شود به حاکم و مفهوم ثابت می شود صاحب جواهر هم در جلد ۱۷ صفحه ۲۲۲

فتوا با حکم خیلی فرق دارد فتوا این است که یک شخص مجتهدی با مراجعه به اخبار اهل بیت و قرآن و اینها می گوید خدا این طور گفته، پیغمبر این طور گفته مثلاً، ائمه این طور گفته اند دقیقاً دارد نقل می کند از آنها من آنچه دارم می گوییم یجوز لا یجوز استنباط من است از قرآن و اخبار این می شود فتوا. حکم انشاع است می گوید حکمت بذلك حکم کردم به این چنان که قاضی حکم می کند قاضی وقتی که ؟؟ شد قاضی یحکمت ذلك این فرض کن مورد دعوا است آن می گوید برای من است این می گوید برای من است. آن بینه دارد این هم بینه دارد. مثلاً این بینه داخل آن بینه خارج است قاضی مجتهد است بینه داخل را بر بینه خارج ترجیح بدهد یا بالعكس ولی بعد از این که اینها را ؟؟ این است که حکم بگزارد حکم این است که فرض کن فرق دارد زید است نه برای آن. قاضی حکم می کند حکم با فتوا فرق دارد بعد از این که قاضی حکم کرد این پس می شود برای آن. حکم و فتوا فرقش را باید بدانیم در مانند فیهم ما حکم حکم می گوییم نه فتوا. حاکم بعد از این که میان شهادت و فلان و فلان علم خودش بالآخره می گوید حکمت به این که فردا عید است حکمت به این که ؟؟ این حکم است. این است که حاکم عراقی می گوید که حکم کرد حاکم مجتهد هم باید قبول کند فرق بین حکم و فتوا این است فتوا اگر داد برای خودش و مقلدینش حجت است اما اگر حکم کرد کل کسانی که علم به خلاف و خطای این ندارند باید بپذیرند. چون می گوییم فَلَيَرْضُوا بِ حَكْمًا فَإِنَّى قدْ جَعَلْتُه حَاكِمًا دیگر وقتی حکم کرد. بله یک کسی علم به خطای آن داشته باشد آن بخشی از بحث است که بعداً بحث می کنیم. برای کل کسانی که اگر یک نفر گفت از فقهها اول ماه است مجتهدین واجب است تبعیت کنند نه این که یک شخصی علم داشته باشد آن اشتباه کرد والا حکم حاکم برای همه واجب الاتباع است و همه باید اتباع بکنند. اینجا ؟؟ عراقی ؟؟ وقتی حاکم حکم کرد من دون فرق حکم و مقلد بین مجتهد و مقلد هیچ فرقی نمی کند مجتهد و مقلد واجب است که قبول بکنند لحرمة رد علی جمیع (نامفهوم) این طور گفته. خب مقصود ما از استشهاد به کلام محقق ضیاء الدین عراقی این است که ایشان ذکر می کند می خواهد بگوید به حکم حاکم هلال

برگشت گفت نہ سلطان روزہ نیست فَقَالَ لَا فَدَعًا بِالْغَدَاءِ فَتَعَدَّنَا مَعَهُ حضرت گفتند صبحانہ بیاورید صبحانہ آوردیم امام صادق (علیہ السلام) هم صبحانہ خوردن. این روایت دلالت دارد به این که آن قدر تقلد بوده برای خوردن، برای اول ماه ثابت شدن، برای عید فطر ثابت شدن باید بینیم سلطان چه می‌گوید اگر سلطان می‌خورد بدان که عید فطر است ما هم می‌خوریم والا نه. خب ممکن است تقیه باشد اما خب دو مطلب است تقیه در اصل رجوع به سلطان بله تقیه است که امام صادق باید تبعیت کند از سلطان این یک مطلبی. این تقیه است شکی نیست دوم این که تائیر خوردن حاکم در این که عید فطر است نخوردنش در این است که آخر رمضان است خب این طوری این دیگر تقیه نبوده یعنی مرسوم بوده و متداول بوده که این طور بشود حالا این یکی تا بررسیم به خبر بعد. خبر چهارم را بینید حالا محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن محمد بن ابی نوح ؟؟؟ عن رجل من السابع بالآخره مرسل است از ابی عبدالله (علیہ السلام) امام صادق انه قال بالحیله، حیله شهری بوده فی زمان ابی العباس در زمان ابی العباس که اولین خلیفه بنی عباس که به او می‌گفتند صفح می‌گفتند صفح هم به مناسبت این که از بنی امیه خلیلی کشت و اینها از خلیلی بنی امیه کشته اینها برای درست کردن سلطنت بنی عباس خب خلیلی را کشتند دیگر به آن ابی العباس می‌گفتند بله. در زمان ابی العباس این دخلت علیه آن رجل می‌گوید به امام صادق و قد شکَ النَّاسُ فِي الصَّوْمَ وَ هُوَ وَ اللَّهُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ولی خودش می‌گوید رمضان شک دارد فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ امام صادق (علیہ السلام) قالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَصْمَتَ الْيَوْمَ گفت که روزه گرفتی؟ فَقُلْتُ لَا وَ الْمَائِدَةُ يَئِيْ سَفَرَهُ جلوی او بود قالَ فَادْنُ فَكُلْ بَا این که می‌گوید والله ماه رمضان بود امام صادق گفت بیا بخور فَدَنَوْتُ فَأَكَلْتُ قَالَ وَ قُلْتُ الصَّوْمُ مَعَكَ وَ الْفِطْرُ مَعَكَ من گفتم که روزه باید بگیریم روزی که ابی العباس صفح روزه می‌گیرد روزی هم که می‌خورد می‌خوریم فَقَالَ الرَّجُلُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیہ السلام) تُفْطِرُ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ماه رمضان است فَقَالَ إِيْ وَ اللَّهِ أَنْ أُفْطِرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ يُضْرِبَ عُنْقِي اگر امام صادق (علیہ السلام) روزه اش را نمی‌خورد

می‌گوید ؟؟ حالا کلام ما این است که در برابر این همه حرف‌ها ایشان بخواهد خیلی ساده حکم حاکم اثری در ثبوت هلال ندارد حالا روایتش را هم می‌خوانیم. آن اندازه که بنده رسیدم از اقوال این اندازه است ولی خب شما باید بیشتر تدبیر کنید اقوال بیشتری به دست بیاورید با مراجعه به کتاب فقه که بالاخره یک بخشی که همیشه همین بحث است ولی جامع و کامل باشد و مطالعه زیاد بکنید تبعیز زیاد بکنید فقه یک علم تقریباً منقول است. بنابراین ما به این دلایل خب می‌گوییم که حکم حاکم اثر دارد علاوه بر این ما روایاتی هم داریم روایات را ایشان تمامش را نادیده گرفته اند و بعد ظاهراً صغروی است در این که به حکم حاکم هلال ثابت می‌شود. روایات این را در باب ۵۷ در دو جا ؟؟ دارد باب ۵۷ از ابواب و یمسک عنهم الصائم باب ۵۷ از ابواب و یمسک عنهم الصائم جلد ۷ وسائل بیست جلدی صفحه ۹۴ خب، یک روایت زیادی است که می‌خوانیم البته اکثراً سندا نیست اما مورد عمل است. محمد بن علی بن الحسین شیخ صدوق باسناده عن عیسی بن ابی منصور و ثابتنه این دومی ثابت نیست انه ؟؟ کنت عند ابی عبدالله (علیہ السلام) پیش امام صادق (علیہ السلام) بودند فی الیوم یشک فی روزی که شک بود که آیا عید فطر است عید فطر نیست و چه چیزی است؟ قال یا غلام امام صادق (علیہ السلام) البته یک مقدار تقیه دارد قال یا غلام اذْهَبْ فَانظُرْ أَصَامَ السُّلْطَانُ أَمْ لَا امام صادق به غلامش گفت برو بین سلطان امام صادق با چند تا از سلاطین بنی عباس معاصر بوده اولی ابوالعباس ؟؟ اولین خلیفه بنی عباس در اینجا بخوانیم چند تا روایت اسم برده شده و تا می‌رسد به منصور، منصور آن حضرت را شهید کرده ؟؟ پیش حضرت امام صادق (علیہ السلام) بودیم در روز شک حضرت گفت یا غلام اذْهَبْ فَانظُرْ أَصَامَ السُّلْطَانُ أَمْ لَا بین سلطان روزه گرفته یا نه؟ فَذَهَبَ ثُمَّ عَادَ معلوم نبوده که روز عید فطر است یا روز آخر ماه رمضان است. خب امام صادق (علیہ السلام) می‌خواهد به دست بیاورد که امروز روز عید فطر است یا روز آخر رمضان است گفت برو بین سلطان اگر غذا می‌خورد بدانید که روز عید فطر است اگر نمی‌خورد روزه گرفته بدان که آخر رمضان است اذْهَبْ فَانظُرْ أَصَامَ السُّلْطَانُ أَمْ لَا فَذَهَبَ ثُمَّ عَادَ معلوم

ابی العباس صفاح گفته بخورید به مردم اگر نمی خورد می کشتنش
 این است که می فرماید اُفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ
 يُضْرِبَ عُنْقَى خب این چند مطلب یکی دلالت دارد بر تقویهی
 بسیار شدید یکی هم دلالت بر این که مردم تبعیت باید می کردند
 از سلطان وقت، از حاکم وقت از ابی العباس چون آن گفته که ماه
 رمضان نیست عید فطر است باید مردم بخورند کسی نمی خورد
 گردنش را می زدند بالاخره دلالت دارد بر این که تاثیر داشته در
 نظر مسلمانان آن مردم حکم حاکم خب خیلی برای ما شنیدنش
 سنگین است که امام صادق (علیه السلام) این قدر در مضيقه و در
 تقویه باشد.

و الحمد لله رب العالمين اولاً و آخرأ و صلی الله على
 محمد و آله الطاهرين